

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه ششم / ۲۳ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

از مسائل مرتبط با کرونا ویروس که استفتاء از یک مرجع تقلید شده، آیا جایز از زکات برای مبارزه با ویروس در ضد عفونی کردن امکان و تهیه لوازم بهداشتی مانند ماسک و دستکش، استفاده کرد؟ به عبارت دیگر مصرف زکات در مبارزه با این ویروس جایز است؟ یکی از موارد مصرف هشتگانه زکات سبیل الله است بنابراین برای مبارزه با ویروس از زکات خرج کرد. و نیز می توان به شخصی که فقیر باشد و پول تهیه لوازم بهداشتی مانند مواد ضد عفونی و دستکش و ماسک را نداشته باشد؛ با شرایط می توان از زکات به او بدهد. چون از موارد مصرف زکات فقیر و مسکین است. و نیز اگر شخصی در تهیه لوازم بهداشتی مبارزه با ویروس را بدهکار شده و تواند بدهی خود را پرداخت کند از باب «و الغارمین علیها» می توان از زکات به او داد.

شرط ایمان در مصرف زکات

سید کاظم یزدی در عروه می فرماید: الأول- الإیمان فلا یعطی للکافر بجمیع أقسامه و لا لمن یعتقد خلاف الحق من فرق المسلمین حتی المستضعفین منهم إلا من سهم المؤلفة قلوبهم و سهم سبیل الله فی الجملة و مع عدم وجود المؤمن و المؤلفة و سبیل الله یحفظ إلى حال التمكن [1].

سید می فرماید مصرف زکات دارای شرایطی است که از جمله آن شرایط ایمان است. بنابراین به کافر با همه اقسام آن مانند، حربی و غیر حربی و نیز ذمی زکات داده نمی شود. و نیز فرقه های مسلمان که ولایت را نپذیرفته باشند حتی به افرادی که مستضعف باشند یعنی حق را نمی شناسند؛ مگر از سهم «و المؤلفة قلوبهم» می تواند و به عبارت دیگر از موارد مصرف زکات این قسم هستند تا اینکه دل آنها متمایل به اسلام بشود. و نیز می فرماید فی الجملة می تواند از سهم فی سبیل الله به غیر مومن بدهد که مصلحت آن به مومن برگردد و در حقیقت صرف مومن شده است. ظاهر عبارت سید این است به کسی که معتقد به حق نیست نمی توان زکات داد ولی در صورتی که حاکم اسلامی اجازه بدهد و صلاحیت بداند می توان به او زکات داد. از تعبیر فی الجملة ای که سید داشته اند چنین گفته بشود اگر مبارزه با ویروس به مسیحی ها کمک بشود نگاه آنها به اسلام مثبت می شود- نه اینکه مسلمان بشوند- به عبارت دیگر نگاه ها به اسلام نگاه انسانی می شود.

مستند شرط ایمان در سهم سبیل الله روایات است

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: كُلُّ عَمَلٍ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي حَالِ نَضْبِهِ وَضَلَالَتِهِ- ثُمَّ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَرَّفَهُ الْوَلَايَةَ- فَإِنَّهُ يُؤْجَرُ عَلَيْهِ إِلَّا الزَّكَاةَ فَإِنَّهُ يُعِيدُهَا لِأَنَّهُ يَضَعُهَا فِي غَيْرِ مَوَاضِعِهَا لِأَنَّهَا لِأَهْلِ الْوَلَايَةِ- وَأَمَّا الصَّلَاةُ وَالْحَجُّ وَالصَّيَامُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ [2].

سند روایت

سند شیخ طوسی به موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب صحیح است. موسی بن قاسم، ثقة جلیل. از صفوان و ابن ابی عمیر روایت می کند که این دو از مشایخ و اصحاب اجماع هستند.

دلالت روایت

کسی که شیعه نبوده و دشمن اهل بیت بوده است و لطف خداوند شامل او بشود و آشنا و مومن به و ولایت بشود. خداوند اجر همه اعمال او را می دهد مگر زکاتی که پرداخته از او پذیرفته نمی شود چون نباید به ناصبی زکات می داد. و زکات حق اهل ولایت است. اما اینکه عبادات او مانند نماز و روزه و حج حتی قضای آنها بر او واجب نیست. بنابراین دلالت این روایت صحیح ایمان را در پرداخت زکات شرط می داند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ وَالْفَضِيلِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ كُلَّهُمْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالَا فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي بَعْضِ هَذِهِ الْأَهْوَاءِ الْحُرُورِيَّةِ- وَ الْمَرْجِنَةِ وَ الْعُثْمَانِيَّةِ وَ الْقَدَرِيَّةِ- ثُمَّ يَتُوبُ وَ يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَ يَحْسُنُ رَأْيَهُ- أَيْعِيدُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّاهَا أَوْ صَوْمٍ أَوْ زَكَاةٍ أَوْ حَجٍّ- أَوْ لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ- قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ غَيْرِ الزَّكَاةِ- لَا بُدَّ أَنْ يُؤَدِّيَهَا- لِأَنَّهُ وَضَعَ الزَّكَاةَ فِي غَيْرِ مَوَاضِعِهَا وَ إِنَّمَا مَوَاضِعُهَا أَهْلُ الْوَلَايَةِ [3].

سند روایت

روایت را صحیحہ فضلا می گویند. عمر بن اذینه از زراره و بکیر بن اعین که برادر زراره است نقل می کند و از فضیل بن یسار و از محمد بن مسلم و از برید عجلای نقل می کند. روایتی با سند تحفه است.

دلالت روایت

در روایت به خوارج تعبیر به هروریه شده که آنها در هرورا جمع شدند و علیه امام علی علیه السلام باند خوارج را ترتیب دادند. و نیز تعبیر به مرجئه شده که از ریشه ارجاء است به معنی

تاخیر است. فرقه ای بودند با صرف اعتقاد به خدا می گویند شخص حتی کییره هم مرتکب شود به جهنم نمی رود. این فرقه به اباحه گری نزدیک است. و بدین جهت جریان بنی امیه از این فرقه حمایت زیاد می کردند. امام صادق علیه السلام می فرماید: علموا اولادکم قبل تسبقکم الیهم المرجئ. و نیز تعبیر به فرقه عثمانیه و قدریه شده است. روایت می گوید شخصی که از یکی از این فرقه ها است توبه می کند. مستبصر و دادای اعتقاد شیعی صحیح می شود. آیا چنین شخصی باید عبادات های خود را قضا بکند؟ امام علیه السلام قضای عبادات بر او واجب نیست ولی زکاتی که پرداخت کرده را باید قضا بکند. چون زکات در محل صحیح خود که اهل ولایت است پرداخت نکرده است.

مساله دیگر مساله حج است

اگر در موسم حج ویروس کرونا هنوز شایع باشد. با شرایطی که این بیماری دارد که سریع منتقل می شود موجب تهدید جان شخص می شود، آیا می تواند به حج رفت؟ دو صورت دارد یک صورت آنکه دولت سعودی اجازه ورود حجاج را ندهد در این صورت بحثی نسبت به چون راه بسته است وجوب حج ساقط می شود. صورت دیگر روادید بدهد راه را باز کرده باشند در این صورت آیا جایز است به حج برود؟

معلوم است که حج مشروط به استطاعت است. خداوند می فرماید: ﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا﴾ [4]، آیه شریفه صریح در شرط استطاعت است و فقهاء نیز گفته اند در وجوب حج استطاعت شرط است.

سید یزدی وجوب حج را مشروط به شرایطی می داند، مانند استطاعت بدنی، یعنی اگر توان انجام حج را نداشت و یا برای او حرج داشت. و مانند استطاعت زمانی یعنی فرصت داشته باشد مناسک را انجام بدهد. می فرماید: « فلو كان الوقت ضيقا لا يمكنه الوصول إلى الحج أو أمكن لكن بمشقة شديدة لم يجب ». در مساله ۶۳ می فرماید از شرایط وجوب حج باز بودن مسیر است. و يشترط أيضا الاستطاعة السريية بأن لا يكون في الطريق مانع لا يمكن معه الوصول إلى الميقات أو إلى تمام الأعمال وإلا لم يجب وكذا لو كان غير مأمون بأن يخاف على نفسه أو بدنه أو عرضه أو ماله وكان الطريق منحصرافيه أو كان جميع الطرق كذلك . [5] مانعی برای انجام مناسک نباشد و نیز اگر از سلامت جان و مال و عرض خود در امان نباشد حج بر او واجب نیست. سرب در اینجا به معنی راه است. اگر بخاطر بیماری کرونا ویروس نتوان اعمال را تمام کند حج بر او واجب نیست. خوف گرفتاری به این بیماری نیز وجوب حج را ساقط می کند

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخُثْعَمِيِّ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْكُنَاسِيِّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَأَنَا عِنْدَهُ- عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ- مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا » مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سَرِيهِ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْكُنَاسِيِّ فَإِذَا كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى فِي سَرِيهِ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحْجْ- فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ قَالَ نَعَمْ [6].

سند روایت

مرحوم کلینی از علی بن ابراهیم و او از پدرش ابراهیم بن هاشم نقل می کند. محمد بن یحیی خثعمی عامی است و این مشکلی نیست چون ابن ابی عمیر از او روایت می کند لذا حکم به صحت حدیث کرده اند

دلالت روایت

مراد از استطاعت سوال شده و امام علیه السلام فرمودند: کسی که سالم باشد و راه برای او باز باشد که بتواند مناسک را انجام دهد اگر بیماری کرونا مانع از انجام مناسک باشد استطاعت نخواهد داشت.

و فِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ « وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا »- مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ- مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سَرِيهِ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ [7].

شیخ صدوق از پدر خود علی بن بابویه- در قم اول چهار مرداد مدفون است- مضمون روایت مانند روایت قبل است. بنابراین در مساله حج اگر برای شخصی خطر عقلایی بیماری به ویروس کرونا باشد حتی اگر دولت عربستان روایت صادر کند نباید اقدام به این مسیر بکند.

تجهیز میت کرونایی

تجهیز میت از مسایل ابتلائی این روز ها که برخی از اموات به خاطر این ویروس از دینا رفته اند. تجهیز میت عبارت از تغسیل، حنوط کردن، تکفین کردن میت کرونایی است.

از مراجع تقلید چنین سوال شده:

1-المسلم المتوفى بهذا المرض هل يجب تغسله غيره من الاموات او انه يكفي ان يُيممه و ماذا اذا لم تسمح السلطات باجراء التيمم عليه حيث تضعه الملاكات الطبية في كيس خاص مع مواد كيميائية حافلة و تمنع من فتح الكيس قبل الدفن.

در مورد حنوط دادن میت کرونایی نیز سوال شده است.

2-اذا لم يتيسر تحنطيه بامساس مساجده السبعة بالكفور فهل له بدیل يعمل به؟

مساله تكفين ميت كرونایی

3-هل يجب تكفينه بالاثواب الثلاثة، و ماذا اذا لم تسمح السلطات بفتح الكيس الذي يغطي به ليكفن به؟

مساله دیگر در برخی کشورها جنازه میت کرونایی را آتش می زنند

4-في بعض البلدان غير الاسلامية يتم حرق جثث المتوفين بالكورونا فهل يجوز السماح بحرق جثة المسلم ام يجب على اهله الممانعة منه اذا وسعهم ذلك؟

5-ما حكم وضعه في صندوق و دفن الصندوق في الارض؟

محقق درباره وظایف مکلفین در مقابل موات می فرماید:

وظیفه اول- صورت احتضار؛

و يجب فيه توجيه الميت إلى القبلة بأن يلقى على ظهره و يجعل وجهه و باطن رجله إلى القبلة. وهو فرض على الكفاية [8]

وظیفه دوم- في التغسيل و هو فرض على الكفاية و كذا تكفينه و دفنه و الصلاة عليه و أولى الناس به أولاهم بميراثه. و هو فرض على الكفاية واجب است با سه آب او را غسل بدهند آب صدر و آب کافور و آب قراح غسل می دهند

وظیفه سوم- في تكفينه و يجب أن يكفن في ثلاثة أقطاع مئزر و قميص و إزار و يجزي عند الضرورة قطعة و لا يجوز التكفين بالحرير. و يجب أن يمسح مساجده بما تيسر من الكافور

وظیفه چهارم- و الفرض أن يوارى في الأرض مع القدرة. بنابراین سوزاندن میت خلاف دین است

این مسایلی که مهمترین انها تغسیل میت کرونایی است نوبت تیمم میت کرونایی می رسد و آیا تیمم باید با دست میت انجام شود یا با دست تیمم دهنده باشد.

---

- [1] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج٤، ص١٢٤.
- [2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج٩، ص٢١٦، أبواب المستحقين للزكاة و وقت التسليم و النية، باب ٣، ح ١، ط آل البيت.
- [3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج٩، ص٢١٦، أبواب المستحقين للزكاة و وقت التسليم و النية، باب ٣، ح ٢، ط آل البيت.
- [4] آل عمران/سوره٣، آيه٩٧.
- [5] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج٤، ص٤١٦.
- [6] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١١، ص ٣٤، أبواب وجوب الحج وشرايطه، باب ٨، ح ٤، ط آل البيت.
- [7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١١، ص ٣٥، أبواب وجوب الحج وشرايطه، باب ٨، ح ٧، ط آل البيت.
- [8] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج ١، ص ٢٨.